

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال پانزدهم، شماره ۵۴، بهار ۱۴۰۰
صفحه ۸۳ تا ۱۰۲

نقش هویت در توسعه روابط ج.ا.ایران با منطقه آسیای میانه بر اساس

رهیافت سازه انگاری

عبدالعلی کیاپاشا / دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی، گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان abdolalikiapasha17@gmail.com
سید فرشید جعفری پایبندی / استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان (نویسنده مسئول) fjafari2@gmail.com
حسن عبوض زاده اردبیلی / استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان h.eyvazzade@yahoo.com
اصغر پرتوی / استادیار و رئیس دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان asgpar@yahoo.com

چکیده

بر اساس سند چشم انداز بیست ساله ج.ا.ایران در افق ۱۴۰۴، گسترش روابط با کشورهای همسایه و هم‌فرهنگ جزو اهداف اصلی ج.ا. ایران قلمداد می‌گردد. مفروض اصلی مقاله حاضر این است که براساس رهیافت سازه‌انگاری با عنایت به منافع متنوع اقتصادی، نظامی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی که ارتباط با کشورهای آسیای میانه (ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان) برای ایران به ارمغان می‌آورد، هویت ملی مشابه در بین کشورهای این منطقه با ایران می‌تواند زمینه را برای برقراری روابط نزدیک تر و مفید تر آماده سازد. در این مطالعه توصیفی-تحلیلی به شکل کتابخانه ای از منابع مختلف تلاش شده است تا شاخص های هویت ملی مشابه بین کشورهای ایران و منطقه آسیای میانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مهم‌ترین شاخصه های هویت ملی مشابه بین کشورهای مذکور را می‌توان زبان، سرزمین، دین و مذهب، حکومت و دولت، نژاد و قومیت و عناصر فرهنگی مشابه دانست. بنابراین لازم است در عرصه سیاست خارجی، سیاستمداران ج.ا.ایران با تکیه بر شاخصه های هویت ملی مشابهی که بین ایران و کشورهای آسیای میانه وجود دارد به ارتقای ارتباطات بین المللی ایران با این کشورها بپردازند.

کلیدواژه: هویت ملی، آسیای میانه، شاخص هویت ملی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۲۱

مقدمه

روابط بین الملل در درجه اول به تعاملات بین رهبران سیاسی مانند روسای جمهور، وزیران امور خارجه یا دیپلمات های متعلق به دولت های مختلف هنگام مذاکره و تصمیم گیری، تنظیم و امضای توافق نامه های بین کشوری اشاره دارد. طرفین مذاکره طبق توافقنامه های «رسمی» موجود، متحدان یا دشمنان تلقی می شوند. روابط آنها نیز در صورت عدم بروز اختلافات با «قوانین و مقررات بین المللی» پذیرفته شده توسط سازمان هایی مانند سازمان ملل مطابقت خواهد داشت (Turaev, 2020: 37). با این حال، در جهان در حال تغییر امروز، «روابط بین الملل» از عوامل متعددی تاثیر میپذیرد که یکی از مهم ترین این عوامل داشتن «هویت ملی^۱» مشابه یا متفاوت است. به تعریف دیکشنری آکسفورد، «هویت ملی احساس یک ملت به عنوان یک کل منسجم است که توسط سنت ها، فرهنگ و زبان مشترک و متمایز با سایر ملل نشان داده می شود». هویت ها امری از پیش مفروض نیستند، بلکه ساخته می شوند. هویت واحدهای سیاسی همواره در حال پوست انداختن و باز تعریف است هویت سیال است و امکان تغییر هویت ها، تغییر تعاملات، نقش ها و رفتارها وجود دارد (Hopf and Allan, 2016:77,68) بنا بر این منافع، رفتارها و تعاملات نیز می توانند دگرگون و متحول شوند. در پرتو این تغییر و تحولات، مفاهیمی مانند دشمنی، دوستی، رقابت و... نیز دستخوش تحول می شود و لذا اگر در یک مقطع تاریخی، واحدهای سیاسی نگاه بدبینانه ای به هم داشته اند، در مقطعی دیگر می توانند نگاه خوش بینانه، دوستانه و همکاری جویانه به یکدیگر داشته باشند

بر اساس چهارچوب نظری سازه انگاری داشتن هویت ملی نیازمند طبقه بندی و شناسایی هویت درون گروهی (شناسایی ملت خود) است. مطالعات روابط بین الملل نشان داده است که جوامع به صورت کلی گرایش دارند که با کشورهایی که از منظر هویت ملی وجه تشابهاتی با کشور خودشان و هویت درون گروهی شان دارند، تعامل کنند و مناسبات تجاری و سیاسی بیشتری با این کشورها برقرار می کنند (Fukuyama, 2018:13). از جمله کشورهایی که هویت ملی مشابهی با کشور ایران دارند، کشورهای آسیای میانه اعم از تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان است. برای شناخت هویت ملی آسیای میانه و نقش آن در برقراری ارتباطات بین الملل با جمهوری اسلامی ایران لازم است

¹ National Identity

در ابتدا با عناصر و عوامل تشکیل دهنده این هویت آشنا شویم و وجوه تشابه آن با هویت ملی ایرانی را دریابیم.

آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد این است که چه تشابهاتی در هویت ملی جمهوری اسلامی ایران و آسیای میانه وجود دارد که می‌توان در برقراری ارتباطات بین الملل مابین این کشورها نقش سازنده ای ایفا کند. در این راستا، فرضیه اصلی مقاله حاضر این است که با عنایت به منافع متنوع اقتصادی، نظامی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی که ارتباط با آسیای میانه برای ایران به ارمغان می‌آورد، هویت ملی مشابه در بین کشورهای این منطقه با ایران می‌تواند زمینه را برای برقراری روابط نزدیک تر و مفید تر آماده سازد. با وجود اهمیت بنیادی و کاربردی این مسئله، تاکنون مطالعه ای که در ایران به صورت نظام مند نقش هویت ملی آسیای میانه در روابط با جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده باشد، صورت نگرفته است. از این رو در مطالعه حاضر تلاش شده است نقش هویت ملی در توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با منطقه آسیای میانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

روش پژوهش

این مطالعه یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مطالعه مروری است که در سال ۱۴۰۰ به شکل کتابخانه ای از منابع مختلف اینترنتی و غیر اینترنتی و به روش فیش برداری انجام شده است. در روش توصیفی-تحلیلی، محقق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام دار وضعیت فعلی و مولفه های به وجود آورنده ی آن می‌پردازد و ویژگی ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید. پژوهش حاضر از نظر هدف (کاربردی) از نظر ماهیت (مطالعه اکتشافی) از نظر کاربرد (تصمیم‌گرا) و از دیدگاه پارادایمی (کیفی) است.

برای جمع آوری اطلاعات در زمینه های مبانی نظری و ادبیات تحقیق از کتاب ها، پایاننامه ها، مقالات و پایگاه های اطلاعاتی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری می‌باشد، که روشی معمول در پایان نامه ها و مقالات علوم انسانی است، به این صورت که کتب و مقالات نوشته شده و همچنین شبکه های کامپیوتری مرتبط با موضوع مقاله به دقت مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل و فیش بندی قرار گرفته؛ سپس این فیش ها مرتب و فصل بندی می‌گردد. در تهیه و گردآوری سعی شده است با استفاده از روش مقایسه‌ای، در هر زمینه که مربوط به موضوع باشد، واقعیت هایی به دست آید که با مقایسه و سازماندهی آن ها به فرض صحیحی نسبت به موضوع دست یافته شود. بدین منظور منابع

موجود از حیث درجه اطمینان و واقعیت پذیر بودنشان طبقه بندی شده اند و منابعی که بیشتر از سایرین مبتنی بر شواهد بودند انتخاب شده و در نگارش مقاله مورد استفاده قرار گرفتند.

چارچوب نظری

سازه انگاری^۱ یکی از برجسته ترین چارچوب های نظری است که می تواند هویت ملی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد است. این نظریه بر این فرض استوار است که ما به عنوان انسان، مستقل از موقعیت اجتماعی که در آن قرار داریم نیستیم بلکه هم تحت تأثیر موقعیت اجتماعی خود و هم خالق آن هستیم. ما واقعیت اجتماعی خود را «می سازیم». (Jung, 2019:117)

سازه انگاری اجتماعی اساساً حول این تصور ایجاد شده است که انسانها از بافت (ساختار) محیطی خود جدا نیستند و هویت هر فرد به شدت به هویت ملی او گره خورده است. سازه انگاری اجتماعی معتقد است که افراد (به طور جمعی) با رفتار و عملکرد خود این محیط را تولید یا «بازسازی» می کنند. جانگ^۲ (ص ۱۶۰) استدلال می کند که سازه انگاری مبتنی بر هستی شناسی اجتماعی است که اصرار دارد عوامل انسانی مستقل از محیط اجتماعی خود و سیستم معانی مشترک آن (به معنای گسترده فرهنگ) وجود ندارد. (Jung, 2019:160)

از نظر سازنده انگاران اجتماعی، محیط اجتماعی مشخص می کند که ما کی هستیم و چه فکر می کنیم و به نوبه خود ما (به طور جمعی) با اقدامات خود این محیط اجتماعی را تولید می کنیم. از اهمیت های اساسی سازه انگاری، این است که از لحاظ هستی شناختی عقل گرایانه یا ماتریالیستی نیست. این بدان معناست که به نظر نمی رسد بازیگران بر اساس حداکثر سازی منافع مادی خود و به حداقل رساندن هزینه ها، منطقی عمل کنند. در عوض، سازه انگاری بازیگران را تحت تأثیر عمیق ایده ها، اعتقادات و هویت آنها می داند (یعنی گفته هایشان درباره خودشان). در واقع، سازه انگاران ادعا می کنند که برای مطالعه موثر بازیگران، باید بفهمید که اعتقادات آنها درباره خود و اینکه چه چیز صحیح است مشخص شود زیرا بر آنچه انجام می دهند تأثیر دارد. باید بررسی شود که چگونه این اقدامات، خود این باورها را تقویت می کنند و فضای اجتماعی / فرهنگی می توانند ایده پردازی گسترده تری را برای سایر بازیگران ایجاد کنند. (Sandu & Unguru 2017:45)

¹ Constructivism

² Risse

سازه انگاری اجتماعی، تعدادی از زمینه های مهم مبهم در روابط ایران و آسیای میانه را روشن می کند:

اولاً، سازه انگاری نشان می دهد که هویت مشابه ملی، بخشی اصلی از تصمیمات کشورها برای ادغام و ارتباط با یکدیگر است. کشورهای آسیای میانه که احساس هویت مشابه بیشتری با ایران دارند، احتمالاً در سطح منطقه همکاری بیشتری می کنند. دوماً تصور می شود که ادراکات کشورها در مورد آنچه که «کاری درست» تلقی می شود، در تصمیم گیری آنها تأثیرگذار است. به احتمال زیاد دولت های آسیای میانه در مورد موضوعاتی که به عنوان کار صحیح (مناسب) تلقی می شود یا با ارزش های آنها همخوانی دارد، همکاری بیشتری خواهند کرد. هرچه ارزش های کشورهای آسیای میانه با جمهوری اسلامی ایران همخوانی بیشتری با یکدیگر داشته باشد، میزان همکاری آنان نیز بیشتر خواهد بود.

سرانجام، سازه انگاری در توضیح سیاست های آسیای میانه مناسب عمل کرده است زیرا توجه را به چگونگی تأثیرگذاری رویه و هنجار ایده ای بازیگران در سطح آسیای میانه بر رفتار و تصمیماتی که می گیرند، جلب می کند. سازه انگاری به نوعی استدلال ضد نظریه های ماتریالیستی است که سیاست را نتیجه تصمیمات عقلانی بازیگران و اقداماتشان در شرایط خاص میداند

اهمیت برقراری ارتباط بین ایران و آسیای میانه

ارتباط با آسیای میانه دارای منافع متنوعی برای جمهوری اسلامی ایران است که سیاست خارجی آن را در قبال منطقه شکل می دهد. از ادغام اقتصادی گرفته تا همکاری در زمینه های متنوع امنیتی و فرهنگی که به عنوان مهم ترین ابعاد منافع ارتباطات منطقه ای شناخته می شوند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران تأکید زیادی بر توسعه همکاری اقتصادی با آسیای میانه در چارچوب توسعه ECO و همچنین در توافقات دو جانبه با کشورهای آسیای میانه داشت (Junxia, 2019:135). حرکت به سمت همکاری بیشتر منطقه ای و در واقع منطقه گرایی، برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی در سیاست خارجی ایران مطرح شد. ایران توسعه روابط و همکاری های منطقه ای با آسیای میانه را وسیله ای برای کاهش انزوای بین المللی خود در صورت ادامه روابط خصومت آمیز با آمریکا می دانست. این امر همچنین با افزایش تحریم های اقتصادی، پیامدهای مهمی برای نیازهای اقتصادی داخلی ایران به همراه می آورد. (Wastnidge, 2017)

7). کشورهای تازه استقلال یافته شرکای تجاری بالقوه جدیدی محسوب می‌شدند و به ایران امکان بیشتری برای توسعه اقتصادی می‌دادند. رهبران جمهوری اسلامی ایران همچنین همکاری بیشتر را برای حفظ ثبات و امنیت منطقه، حیاتی می‌دانستند. یک نکته کلیدی که غالباً هنگام بحث درباره روابط ایران با آسیای میانه مطرح می‌شود، موقعیت ژئواستراتژیک آن است و رهبران ایران مشتاقانه تلاش می‌کنند از این مزیت استفاده کنند. به این ترتیب، ایران اغلب به عنوان ایجاد «پلی» یا «دروازه ای» برای کشورهای حاشیه خشکی آسیای میانه به اقیانوس جهانی توصیف می‌شود. این مورد به ویژه در مورد کشورهایی با منابع غنی مانند قزاقستان و ترکمنستان بسیار حائز اهمیت است، زیرا ایران کوتاهترین مسیرها را برای رساندن هیدروکربن‌های آنها به بازار جهانی فراهم می‌کند (Mesamed, 2002: 32). علاوه بر این ها مهم‌ترین عوامل در اهمیت برقراری ارتباط با منطقه آسیای میانه برای جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: (Bhat, 2018: 54; Farah, 2015: 19)

آسیای میانه زمانی جزئی از امپراتوری کشور شوروی بوده است و هم اکنون حاشیه امنیتی روسیه قلمداد می‌گردد، با توجه به اهمیت استراتژیک روابط بین ایران و روسیه، ارتباط با این منطقه اهمیت بسیار می‌یابد.

روسیه امنیت آسیای میانه را در مقابل حمله آمریکا تضمین کرده است، لذا این منطقه مرزی ایران نقطه امنی از جهت محل وقوع احتمال حمله آمریکا به ایران قلمداد می‌شود. آسیای میانه به نوعی یک سازه ژئوپلیتیکی است که پتانسیل هم‌گرایی در سیاست‌های نظامی، فرهنگی و اقتصادی را در سطح منطقه‌ای و جهانی دارا می‌باشد. تشابهات گسترده فرهنگی و ملیتی ایران و آسیای میانه اعم از دین و زبان مشترک روابط بین کشورها را آسان و جذاب ساخته است.

در شرایطی که ایران برای نفوذ در آسیای میانه تلاشی نکند اسرائیل تلاش خواهد نمود با دلایل فنی و انسان‌دوستانه نفوذ و مشروعیت رژیم صهیونیستی در منطقه را افزایش دهد. منطقه آسیای میانه می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران هم فرصت و هم تهدید شناخته شود و لازم است ایران با برقراری ارتباط با مردم و دولت‌مردان این منطقه تهدید را به فرصت تبدیل کند.

کشورهای آسیای میانه جزو اعضای مهم پیمان شانگهای هستند که بستر ظهور قدرت‌های جهانی جدید به حساب می‌آید. از جمله دلایل اهمیت این پیمان عضویت قدرت‌های بزرگ جهانی نظیر چین و روسیه در آن است.

از طرفی روابط با ایران نیز برای دولتمردان آسیای میانه از اهمیت ویژه ای برخوردار است که تنها وابسته به منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی نیست. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر داشتن امکانات مناسب برای انتقال ترانزیتی و فروش منابع نفت و گاز آسیای میانه به سایر نقاط جهان، نقش مهمی در استقرار استقلال ملی و ایجاد امنیت و ثبات در منطقه ایفا میکند که برای حکمرانان کشورهای آسیای میانه بسیار حائز اهمیت است (Mairs, 2020: 569).

هویت ملی و شاخصه های آن

هویت ملی هویت یا احساس تعلق فرد به یک دولت یا یک ملت است. در این مفهوم یک ملت به عنوان یک کل منسجم است که توسط سنتها، فرهنگ و زبان متمایز نشان داده می شود. هویت ملی از نظر روانشناختی به عنوان «آگاهی از تفاوت»، «احساس و شناخت» ما و آنها تلقی می شود. بیان مثبت نگرانه هویت ملی، میهن پرستی است که با غرور ملی، احساس مثبت و عشق به کشور مشخص می شود. هویت ملی یک ویژگی ذاتی نیست و اساساً در اجتماع با سایر هموطنان ساخته می شود. از دیدگاه وونت «هویت در معنای فلسفی آن عبارت است از هر آنچه چیزی را به آن چه هست تبدیل میکند...» بنابراین هویت ملی از دیدگاه سازه انگاری یک ویژگی ذهنی یا در سطح واحد است که ریشه در فهم کنشگر از خود و ویژگی های خود دارد. (وونت، ۱۳۸۴: ۳۲۵ و ۳۲۶). روپرت امرسون^۱، دانشمند علوم سیاسی، هویت ملی را چنین تعریف می کند: مجموعه ای از مردم که احساس می کنند یک ملت هستند. این تعریف از هویت ملی توسط هنری تاجفل^۲، روانشناس اجتماعی، که نظریه هویت اجتماعی را به همراه جان ترنر^۳ فرموله کرد، تأیید شده است. (Reicher, ; Spears, ; Haslam, 2010: 17) نظریه هویت اجتماعی نشان می دهد که مفهوم سازی هویت ملی هم شامل طبقه بندی خود است و هم بر آن تأثیر می گذارد. (Tajfel, 1978: 27) طبقه بندی خود به معنای همذات پنداری با یک ملت و مشاهده خود به عنوان عضوی از یک ملت است. احساس هویت ملی صرف آگاهی از تعلق به یک گروه خاص، احساسات مثبتی را در مورد این گروه ایجاد می کند و منجر به تمایل به اقدام به نمایندگی از آن گروه می شود، حتی اگر اعضای دیگر گروه ناشناخته باشند. هویت ملی،

1 Rupert Emerson

2 Henri Tajfel

3 John Turner

مانند سایر هویت های اجتماعی، احساسات مثبتی مانند غرور و عشق به ملت خود و احساس تعهدات نسبت به سایر شهروندان را به وجود می آورد. غرور ملی به هماهنگی بین گروه های قومی کمک می کند.

هویت ملی به فرایند طبقه بندی خود احتیاج دارد و شامل شناسایی هویت درون گروهی (شناسایی با ملت خود) و تمایز گروه های خارج از کشور (سایر ملت ها) است. با شناخت مشترکاتی از قبیل داشتن تبار و سرنوشت مشترک، افراد با یک ملت هویت می یابند و یک هویت درون گروهی را تشکیل می دهند و در عین حال افرادی را که با ملتی متفاوت شناخته می شوند را به عنوان گروه های خارج از خود می بینند. تئوری هویت ملی نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین شناسایی یک ملت و انحراف از ملت های دیگر است (Triandafyllidou, 1998:597). افراد با شناسایی هویت ملی خود تمایل پیدا می کنند با افرادی که هویت ملی مشترک و یا مشابه خود دارند بیشتر ارتباط برقرار کرده و از افرادی که با هویت ملی آنان تفاوت های فاحش دارند دوری کنند. (Tajfel & Turner, 2004:279)

هویت ملی یک فرد مستقیماً ناشی از وجود عناصری از «نقاط مشترک» در زندگی روزمره مردم است و مهمترین شاخصه های هویت ملی عبارتند از:

سرزمین^۱ یا قلمرو: در فرهنگ دهخدا از واژه سرزمین تحت عنوان مملکت، ناحیت، کشور، اقلیم و مرزو بوم یاد شده است و طبق تعریف ماری - کریستین ژائیه منظور از سرزمین یک حد و حدود سیاسی و فضای زندگی یک گروه انسانی است ... که به دنبال تسلط هر چه بیشتر بر این آب و خاک خود به منظور استفاده هر چه بیشتر است، (Rochford, 2020:131)

دین و مذهب: در مورد تعریف واژه دین در بین صاحب نظران توافق مشترک وجود ندارد. با این حال در مجموع و به صورت کلی می توان دین را اینگونه تعریف نمود، «دین، مجموعه (سیستم) حقایقی هماهنگ و متناسب از نظام های فکری (عقاید و معارف)، نظام ارزشی (قوانین و احکام) و نظام پرورشی (دستورات اخلاقی و اجتماعی) است که در قلمرو ابعاد فردی، اجتماعی و تاریخی از جانب پروردگار متعال برای سرپرستی و هدایت انسان ها در مسیر رشد و کمال الهی ارسال می گردد». علامه طباطبایی معتقد است «دین، عقاید و یک

¹ Territory

سلسله دستورهای عملی و اخلاقی است که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده اند، اعتقاد به این عقاید و انجام این دستورها، سبب سعادت و خوشبختی انسان در دو جهان است» (طباطبایی و الهامی، ۱۳۵۹: ۴). در قرآن کریم نیز در آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ» (سوره صف، آیه ۹) دین به معنی کیش و شریعت آمده است

زبان: زبان به معنی عام تر، هر نوع نشانه یا قراردادی است که پیامی را بین افراد یک جامعه منتقل می کند. از نظر علم زبان شناسی، زبان عبارت است از تعداد محدودی قاعده آوایی، معنایی و دستوری است که به کمک آن، می توان بی نهایت جمله و متن تولید کرد. جملات به وسیله دستگاه گفتار آدمی تولید شده و واسطه ارتباط بین افراد می گردند. برای مثال، در زبان فارسی، به کمک قواعد دستور زبان، نحوه قرار گیری کلمات در یک جمله مشخص می گردد. (Shaykhislamov & Makhmudov, 2020:17)

حکومت و دولت: حکومت عبارت است از مجموعه نهادهای فرمانروا، وظایف و اختیارات هریک از آنان و روابط بین اندام های حکومتی و دولت قدرت سیاسی سازمان یافته ای است که اوامر را پیاده سازی و سایرین را ملزم به اجرای آن می کند (قاضی، ۱۳۸۴:۴۴۱).

نژاد و قومیت: در علم زیست شناسی مفهوم نژاد مربوط به مشخصات بیولوژیکی یک گونه جاندار است و قومیت بیشتر برای توصیف گروه های اجتماعی به کار برده می شود. نژاد به خصوصیات بیولوژیکی شخص اشاره دارد که رنگ پوست، رنگ مو، رنگ چشم و مشخصاتی از این قبیل را دربر می گیرد. از طرفی قومیت به فرهنگ، آداب و سنن اشخاص و ملت ها باز می گردد که وابسته به محیطی است که به آن تعلق دارد. شناسایی اقوام مختلف با توجه به مناطق گوناگونی که در آن ساکن هستند انجام می شود نه مشخصات نژادی و فیزیکی شان (Stanfield & Dennis, 1993:86).

عناصر فرهنگی: فرهنگ مفهومی گسترده متشکل از مجموعه ارزش های اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع بشری و همچنین دانش، اعتقادات، هنرها، قوانین، آداب و رسوم، قابلیت ها و عادات افراد در این گروه ها است. جشن ها و مراسم سنتی و آئینی از عناصر برجسته فرهنگ ها به حساب می آیند که فرهنگ جامعه را استوار و مستحکم می سازند. مراسم آئینی هر کشور از فرهنگ آن نشأت گرفته و به گونه ای مشخص و قاعده مند اجرا می شود (Schein, 1991:244).

تحت تأثیر این شاخص های هویت ملی، افراد با اتخاذ باورها، ارزش ها، پیش فرض ها و انتظاراتی که با هویت ملی فرد همسو هستند، آن را در هویت شخصی خود قرار می دهند. افرادی که ملت خود را می شناسند اعتقادات و ارزشهای ملی را شخصاً معنادار می دانند و این باورها و ارزشها را به کارهای روزمره ترجمه می کنند.

۶- نقش هویت آسیای میانه در شکل گیری و تداوم ارتباط با ایران

ایران و آسیای میانه از دیرباز و در دوره های مختلف تاریخی روابط عمیق و گسترده ای با هم داشته اند که منجر به شکل گیری هم بستگی و خویشاوندی دیرینه ای بین ملت های آن شده است. پراکندگی اقوام آریایی در هر دو منطقه باعث پدیدایی ژنتیک مشابه در آباء و اجداد و نیای مردمان این مناطق و پدید آمدن ریشه های تاریخی مشترک در منطقه گردید. از گذشته های دور ایران نقش مهمی به عنوان احیاگر فرهنگ و سنن آسیای میانه ایفا کرده است و فضای مناسبی برای هم زیستی متقابل، رشد و توسعه و تحکیم فرهنگی فراهم آورده است. برای شناخت نقش هویت در توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با منطقه آسیای میانه لازم است ابتدا ویژگی های مشترک عناصر هویتی در ایران و آسیای میانه را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۶-۱- نقش زبان در ارتباطات ایران و آسیای میانه

پنج گروه بزرگ قومی در آسیای میانه ازبک، قزاق، تاجیک، ترکمن و قرقیزستان هستند. از نظر زبانشناسی، همه این گروه ها، به استثنای تاجیک هایی که زبان آنها بیشتر به فارسی امروزی شباهت دارد، به زبان هایی صحبت می کنند که از خانواده زبان ترکی بوده و به ترکی شباهت دارند. با این حال عمده زبان ادبی و تاریخی این منطقه فارسی است (Chow, 2010: 127).

در زمان های پیش از اسلام و اوایل اسلام، آسیای میانه عمدتاً قسمتی از ایران بود و ساکنین آن اعم از باختریان، سغدی ها، خوارزمیان و سکاها و دهیوها ایرانی زبان بودند. برخی زبانهای متداول قدیمی که به خانواده ایرانی شرقی تعلق داشتند مانند سغدی، خوارزمی، باختری و سکایی، اکنون منقرض شده اند. سایر زبانهای ایرانی شرقی مانند پشتو ایرانی، شوگنی، مونجی، ایشکشیمی، ساریکولی، واخی، یاغوبی و اوستی نیز در نقاط مختلف آسیای میانه هنوز مورد استفاده قرار می گیرند. امروزه فارسی تاجیکی (در تاجیکستان و ازبکستان) و فارسی بخاری (توسط یهودیان بخارایی آسیای میانه) به عنوان زبان مادری در این مناطق شناخته می شود. با این حال، پس از گسترش کشورگشایی توسط

مردم ترک زبان، آسیای میانه نیز میهن قزاقها، ازبکها، تاتارها، ترکمن ها، قرقیزها و اوغورها شد و زبان های ترکی تا حد زیادی جای زبان های ایرانی را گرفتند. از اواسط قرن نوزدهم تا تقریباً پایان قرن بیستم نیز بیشتر آسیای میانه بخشی از امپراطوری روسیه و بعداً اتحاد جماهیر شوروی شد، به طوری که هنوز هم با وجود مستقل شدن این کشورها حدود هفت میلیون روس و نیم میلیون اوکراینی در این منطقه زندگی می کنند و فرهنگ و زبان خاص خود را به این منطقه آورده اند. (Klein, Gessner, & Kuenzer, 2012: 221) با وجود اینها زبان فارسی با توجه به ریشه عمیق تاریخی خود در این منطقه همچنان در نقاط مختلف و در زبان ادبی این کشورها مورد استفاده قرار می گیرد و پیوندهای خود را با ایران حفظ کرده است. دربار سامانیان (در بخارا) بود که نخستین متون تاریخی و دینی که جنبه های ادبی خوبی داشت همچون تاریخ بلعمی، ترجمه تفسیر طبری و تاریخ طبری نگاشته شدند. دانشمندان و ادیبان نامی چون ابوعلی سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی، محمد بن موسی خوارزمی و دهها دانشور نامدار دیگر از این منطقه برخاستند.

در دوران معاصر نیز با آغاز به کار سفارت ایران در شهر دوشنبه، گردهمایی فرهنگی برای اجرای برنامه های شب شعر، نمایش، موسیقی و بخش های مختلف راه اندازی شد و ادیبان و شعر دوستان تاجیکی را حول محور زبان و ادبیات فارسی گردهم جمع کرد. امروزه مردم تاجیکستان به فرهنگ و ادب فارسی خود افتخار می کنند. با وجود اینکه شعر و ادب فارسی در ایران، تاجیکستان و افغانستان جایگاه مسلط خود را تثبیت کرده است، شعر فارسی در مناطق دیگر آسیای میانه به ویژه در ازبکستان نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار است. با وجود تلاش های سخت گیرانه حکومت شوروی برای ممانعت از رشد و اعتلای زبان و ادبیات فارسی در این منطقه، امروزه با تشکیل محافل ادبی نظیر محیط ادبی تاشکند، محیط ادبی سمرقند، محیط ادبی سرخان دریا، فرغانه، بخارا شاعران فارسی زبان سرشناسی به دنیای ادب و شعر فارسی معرفی گشته اند. با وجود تفاوت هایی که زبان و ادبیات فارسی ایرانی با فارسی آسیای میانه دارد، در زمینه واژگان، دستور، تلفظ، همچنان شعر کلاسیک بر ضمائر شاعران این مرز و بوم سلطه دارد. در کشور ترکمنستان نیز اگرچه عمده مردم به زبان های ترکمنی و روسی سخن میگویند و تعداد اندکی فارسی زبان هستند، به دلیل اهمیت تاریخی زبان فارسی در زمینه های فرهنگی و فراوان بودن واژه های فارسی، احساس هم دلی و همزبانی بین مردم ترکمنستان و ایران بسیار عمیق است. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۸)

۶-۲- نقش سرزمین در ارتباطات ایران و آسیای میانه

آسیای میانه^۱ منطقه ای است که از دریای خزر در غرب تا چین و مغولستان در شرق و از افغانستان در جنوب تا روسیه در شمال امتداد دارد. این منطقه از جمهوری های شوروی سابق قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان تشکیل شده است که طبق آخرین برآورد در سال ۲۰۱۹ حدود ۷۲ میلیون نفر جمعیت دارد ۲ این منطقه به طور عامیانه «استان ها» نیز خوانده می شود زیرا کشورهای می که عموماً در این منطقه وجود دارند همه دارای نام هایی هستند که به پسوند فارسی «استان» به معنی «سرزمین» ختم می شوند. بسته به تفسیرهای مختلف، مناطق همسایه نیز بعضاً بخشی از این منطقه محسوب می شوند. (blank, 2013:12).

سیر تاریخی روابط پی در پی مبتنی بر سرزمین بین ایران و کشورهای آسیای میانه و نوع روابط فرهنگی حاکم بر این منطقه را می توان در چند مرحله اصلی دوران پیش از اسلام، دوران پس از اسلام، دوره پس از روی کار آمدن دولت شیعه صفوی، اواخر قرن ۱۹ میلادی و دوران معاصر مورد بررسی قرار داد.

در دوران پیش از اسلام، ایرانیان یکجانشین برای در امان ماندن از هجوم های وحشیانه قبایل چادرنشین منطقه آسیای میانه، شروع به ایجاد دژ و استحکامات و اشاعه فرهنگ یکجانشینی و تمدن در بین این اقوام برای در کنترل اقدامات هجومی آنها کردند. این مناطق به جز مقاطعی که به علت هجوم اقوام وحشی دچار هرج و مرج شده معمولاً بخشی از امپراتوری ایران قبل از اسلام محسوب می شد و حکام آنها خراج گزار و منصوب شاهنشاهان ایران بودند. به مرور مردم آسیای میانه به عنوان سرباز و کارگر به خدمت ایرانیان درآمدند تا بدانجا که در طول خلافت عباسیان در دوران پس از اسلام به مقام های بالا در دستگاه خلافت رسیده و تعدادی از آن ها در نواحی مرزی امپراطوری رو به زوال عباسی، حکومتی همچون قراخانیان بنا نهادند (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۴). با ورود اسلام به ایران و افزایش تلاش های ایرانیان برای تبلیغ و گسترش اسلام، سلسله های ایرانی طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل بویه، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان در منطقه آسیای میانه تشکیل شد و باعث شکل گیری سرزمین و هویت مشترک در بین مردمان این مناطق گردید.

^۱ Central Asia

^۲ "Демографическая ситуация" (۲۰۱۹). *Statistika qo'mitasi*. Retrieved 2019-03-19.

مردمان این منطقه در منتهی الیه شمال شرقی حوزه نفوذ اسلام، به عنوان مرزبانان تمدن اسلامی در مقابل یورش اقوام وحشی روس و زرد فعالیت می‌کردند.

در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم میلادی، افراد و گروه‌هایی از دام‌داران، کشاورزان و بازرگانان از نواحی شمالی ایران همچون استان‌های گیلان، خراسان، آذربایجان و کردستان در طول مدت زمانی کوتاه به سوی آسیای میانه مهاجرت کردند و پرشمارترین گروه مهاجران ایرانی را پدید آوردند به گونه‌ای که در دهه پایانی قرن نوزدهم میلادی، حدود سی درصد جمعیت غیربومی آسیای میانه متشکل از ایرانیان مهاجر بودند که مصرانه تلاش می‌کردند ارتباط خود را با ایران حفظ کنند. به همین دلیل پیوسته روابط منظم و متداولی بین دو سرزمین وجود داشت. این روابط تا بدانجا بود که تا قبل از شروع قرن بیستم، از ایرانیان بابت ورود و خروج از خاک ایران به آسیای میانه ویزا خواسته نمی‌شد (بدری، ۱۳۹۱: ۲۵).

۶-۳ نقش دین در ارتباطات ایران و آسیای میانه

دین ۸۵ درصد از مردم آسیای میانه اسلام است و مابقی مسیحی یا بی‌دین هستند. مسلمان شدن مردم آسیای منجر به شکل‌گیری مشترکات ملی قومی، تاریخی و زبانی در بین مردم این خطه شد (Laruelle, 2007:205). گسترش اسلام در آسیای میانه به قرن اول هجری بازمی‌گردد. سپاهیان اسلام در سال ۵۶ هجری توانستند بخارا را فتح کرده و در قرن چهارم هجری اسلام به عنوان دین رسمی آسیای میانه قلمداد کنند. (محمودی و لطیفویچ، ۱۳۹۴: ۷۳ و ۴۶) از این تاریخ به بعد می‌توان آسیای میانه را از مهم‌ترین پایگاه‌های جهان اسلام به حساب آورد. دین اسلام شکوفایی عظیمی برای مردم این منطقه به ارمغان آورد و آنها را از جهل و غارتگری به دنیای متمدن اسلامی رهنمون ساخت. به نحوی که شهرهای بخارا و سمرقند به عنوان زادگاه بزرگترین متفکران علم و ادب اسلامی در این منطقه به وجود آمد. بعدها با افزایش سلطه تزارهای روسی بر این مناطق و با تلاش‌های متمرکز نظام بلشویکی، تلاش شد دین اسلام در این منطقه رنگ ببازد. کمونیست‌ها معتقد بودند دوران تسلط فرهنگ اسلامی در آسیای میانه به سر آمده است. بنابراین روشی بسیار خطرناک را برای قلع و قمع مسلمانان این خطه در پیش گرفتند که از جمله آنها می‌توان به تبعیدهای دسته‌جمعی، ایجاد اختلافات فرقه‌ای، از بین بردن تمایزات اعتقادی، در مقابل هم قرار دادن گروه‌های قومی و دینی و مرزبندی‌های مصنوعی به انضمام تبلیغات شدید الحادی علیه اسلام، روش‌های مبارزه با هویت دینی اشاره کرد. (Malashenko, 2013:221)

اسلام ستیزی و دین ستیزی شوری در قوانین اساسی این کشور نیز کاملاً هویدا است. برای نمونه در ماده ۳۵۳ از بند ۸، این مجموعه در سال ۱۹۳۹ آمده است: «تعلیمات هرگونه آئین مذهبی از هر قبیل در کلیه مؤسسات دولتی، اجتماعی، تعلیم و تربیتی ممنوع می باشد». در ماده ۱۵۶ قانون جزایی ازبکستان صراحتاً ذکر شده است که: «اشخاصی که به بهانه مذهب به مقاصد ضد انقلابی دست بزنند محکوم به اعدام هستند». در سال ۱۹۵۰ میلادی قانونی در مجلس ازبکستان، به تصویب رسید مبنی بر آن که: «هر کس برای خواندن نماز از کار خود دست کشید، به ۶ سال حبس محکوم می شود». اگرچه از طرفی فشارهای مسکو تا حد زیادی مانع رشد اسلام در این منطقه شد، از طرف دیگر غیرت و اعتقاد مسلمانان را بیشتر کرد به نوعی که حتی جزئی ترین سنن دینی نیز فراموش نگردید و آدابی همانند احترام به ریش سفیدان، پوشش اسلامی و استفاده از مواد غذایی حلال با نگرشی دینی همچنان پایدار بر جای ماند. در طول دوران مبارزه رژیم مارکسیستی با اسلام و مسلمانان، گسترده ترین مقاومت ها در برابر استراتژی مسکو از سوی اقوام آسیای میانه صورت گرفت. تابانجا که گروهی از اقوام تبعید شده در نواحی تحت قلمرو آنان، بیش از گذشته به اسلام علاقه مند شدند و در مبارزه با روس ها، نهضت ها و جنبش های اسلامی را ترتیب دادند. به همین دلیل پس از فروپاشی نظام کمونیستی زمینه و تمایل برای گسترش اسلام روز به روز بیشتر شد. به گفته دکتر سعید اف جامعه شناس ازبکی؛ در ظرف سه سال گذشته صدها مسجد در آسیای میانه ساخته شده و در بعضی گردهمایی ها عده ای خواستار اجرای قوانین اسلامی در کشور خود می باشند. روزنامه لوموند در گزارش درباره جمهوری های مسلمان نشین آورده بود: برای اکثریت توده مردم و پنج جمهوری آسیای میانه، استقلال به معنای بازگشت به هویت اسلامی است (Pilkington and Yemelianova, 2003:45-49).

اسلامی که امروزه در آسیای میانه رایج است را می توان ترکیبی متنوع از اسلام و عناصر مذاهب پیش از اسلام همچون شمنیسم، آئیمیسیم، زرتشت گرایی، پرستش اجداد و تقدس طبیعت دانست. با اینحال ایمان به یک فلسفه عالم وجودی در باور مردمان این مرز و بوم ریشه دارد. اسلام در این منطقه با مفاهیم خرافی و عقاید و باورهای سنتی درهم آمیخته است. مذهب حنفی و صوفی گرایانه در بین مردم منطقه رواج دارد. شیعیان اسماعیلیه نیز در منطقه طرفدارانی پیدا کرده اند و به واسطه تبلیغات عربستان و پاکستان عده ای به وهابیت گرویده اند. مهاجران ایرانی در طول صدهای اخیر نیز مذهب اسلام شیعه را با خود به این منطقه به ارمغان برده اند. (فیرحی، ۱۳۹۵: ۵۸)

با تمام این اوصاف مسلمان بودن مردم آسیای میانه پیوندهایی فراتر از مشترکات ملی قومی، تاریخی و زبان در بین این مردمان با ایرانیان ایجاد کرده است و منجر به کمرنگی مرزهای سیاسی و جغرافیایی بین دو منطقه شده است.

۶-۴- نقش حکومت و دولت در ارتباطات ایران و آسیای میانه

تمامی کشورهای آسیای میانه سکولار هستند. سکولاریسم، یا جدا انگاری دین از سیاست، عقیده‌ای است مبنی بر اینکه نهادهای حکومتی و کسانی که بر مسند دولت می‌نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام‌های مذهبی جدا و مستقل هستند. کلیه کشورهای این منطقه بجز کشور قرقیزستان که نظامی پارلمانی دارد، حکومتی متمرکز و دارای نظام جمهوری هستند. جمهوری، نوعی حکومت است که در آن مسئولین حکومتی موروثی انتخاب نشده و با رای مستقیم یا غیر مستقیم مردم برگزیده می‌شوند. در این جوامع دوران تصدی مسئولین محدود می‌باشد. مجلس محوری یا نظام پارلمانی نیز نوع دیگری از حکمرانی مردم سالارانه است که در آن قوه مجریه با دریافت مشروعیت مردم سالارانه از قوه مقننه وظایف خود را اجرا کرده و در برابر قوه مقننه پاسخگو می‌باشد. نظام پارلمانی نوعی نظام حکومتی است که از تفکیک نسبی قوا ایجاد می‌شود. در رژیم‌های پارلمانی قوه مجریه و قوه مقننه از ابزارهایی برای تأثیر گذاری و نفوذ بر یکدیگر برخوردارند، Gleason (2003:142).

به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد جوامع مستقل جمهوری و پارلمانی در کشورهای آسیای میانه، توجه سایر کشورهای اطراف اعم از جمهوری اسلامی ایران برای برقراری روابط مسالمت آمیز تجاری و سیاسی به این منطقه جلب شد. برقراری روابط بین الملل بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای میانه از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی این کشورها برخوردار است. (شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

اولین نمودهای ارتباطات عمیق بین ایران و کشورهای آسیای میانه پس از انقلاب اسلامی ایران در دوران ریاست جمهوری آقای رفسنجانی آشکار گردید. هاشمی رفسنجانی با تبیین و اجرای سیاست خارجی منطقه گرا، تلاش کرد که با یاری جستن از فرهنگ ایرانی و عناصر آن در آسیای میانه باعث فعال سازی پتانسیل های اقتصادی گشته و موقعیت ایران را که به دلیل سلطه ۷۰ ساله کمونیسم در این منطقه از بین رفته بود، مجدداً بازگرداند. در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی نمایشگاه های مختلفی در آسیای میانه برگزار شد و با ساخت فیلم و سریال، همایش های غیر دولتی و نشست نخبگان و شعرا تلاش شد پتانسیل های ارتباطی

بالتوجه فرهنگی و سیاسی بین کشورها به فعل تبدیل شود. (Herzhg ۲۰۰۴: ۵۶) در این مقطع ایران می‌کوشید با کاهش فشارهای آمریکا و روسیه در سطح منطقه منجر به ایجاد ثبات و صلح در منطقه، تثبیت موقعیت تاجیکستان و کاهش مشکلات سیاست خارجی شود. الگوی گفت و گوی تمدن‌ها در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی، بانی برای شروع و گسترش روابط بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای میانه باز می‌کرد. با توجه به نزدیکی فرهنگی و تمدنی بین ایران و تاجیکستان، جمهوری اسلامی ایران در این دوران عمده تمرکز خود را روی تبیین و اجرای سیاست خارجی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی با تاجیکستان تنظیم کرده بود (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۸). در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد نیز وجه غالب در سیاست خارجی ایران، مسایل امنیتی و سیاسی و تقابل با آمریکا و اسرائیل در آسیای میانه بود و بحث اتحاد آریایی با دیدگاه کاهش نفوذ ترکیه و اسلام ترکیه ای اسلام آمریکایی و اسلام طالبانی و اسلام عربستانی مطرح می‌شد (محمودی، ۱۳۸۸). در این دوره به عید باستانی نوروز به عنوان یکی از آیین‌های مشترک بین ایران و آسیای میانه بسیار تاکید شد و از مقامات ارشد سه کشور فارس زبان برای سفر به ایران به مناسبت حلول سال نو دعوت به عمل آمد. هدف اصلی این تلاش‌ها برقراری اتحاد بین فارسی‌زبانان نژاد آریایی در جهت اقدامات امنیتی، حضور در پیمان‌های و تعارض‌های شدید با آمریکا بود. در این دوران ایران تلاش می‌کرد با جذب افغانستان و تاجیکستان؛ آنها را از نزدیکی به آمریکا و دول غربی دور نگه داشته و با ایجاد اتحاد بین سه کشور، از نفوذ ترکیه، اسرائیل و آمریکا و روسیه جلوگیری کند (ریسی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). در دوران ریاست جمهوری آقای حسن روحانی نیز، پس از توافق هسته‌ای (برجام) و در شرایط پراقتضای حاکم بر خاورمیانه عربی، توجه ایران در سیاست خارجی به مناطق آسیای میانه و قفقاز به عنوان یکی از مناطق مهم پیرامونی ایران بیشتر شد و در این راستا، توفیقاتی نیز حاصل گردید. (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۱۳۹۵)

۶-۵- نقش نژاد و قومیت در ارتباطات ایران و آسیای میانه

آریایی‌ها با مهاجرت به خطه آسیای میانه اولین تمدن‌های آریایی را تشکیل دادند و از آنجا به سایر نواحی نظیر ایران و اروپا مهاجرت کردند. به بیان متون به جا مانده از مورخان آریایی آغازین زبان گروهی از مهاجران هندواروپایی بود که در حدود هزاره سوم قبل از میلاد از هم‌نژادان‌شان جدا شدند و در دشت‌های آسیای میانه رحل افکندند. در گذشته‌های بسیار دور آریایی‌زبان‌ها تماس‌هایی با بالتها، داکیه‌ای-مسیه‌ای‌ها و اقوام فینو-

اوگری داشتند (رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۶: ۶۳۹). بنابراین به نظر می‌رسد ایرانی‌ها و مردم آسیای میانه از یک‌نیا و آبا و اجداد مشترک هستند. اگرچه منطقه آسیای میانه در طول تاریخ بارها توسط مغولان، ایرانیان، تاتارها، مردم روس، افغان‌ها و سرمتی مورد تهاجم قرار گرفته و فتح شده است که این موضوع باعث گسترش بسیار متمایز نژادی، قومیتی و فرهنگی در این منطقه شده است. در این منطقه ترکیب وسیعی از نژادهای اروپایی و آسیایی گسترده شده است و اغلب سفید پوست و زرد پوست^۱ هستند. با این حال هنوز می‌توان ریشه‌های فرهنگ، نژاد و قومیت مشترک را در بین مردمان این منطقه و ایران مشاهده نمود

۶-۶ - نقش عناصر فرهنگی در ارتباطات ایران و آسیای میانه

اسطوره‌ها و قهرمان‌ها و میراث فکری آسیای میانه الهام گرفته از حکومت‌هایی است که در دوران مختلف در طول تاریخ بر این منطقه حکمرانی می‌کردند. با توجه به سبکه بالای روابط فرهنگی ایران و آسیای میانه، اساطیر ایرانی همچون اساطیر شاهنامه و مفاخر علمی و ادبی ایرانی در صدهای گذشته از مظاهر اصلی اسطوره‌ها و قهرمانان این خطه به حساب می‌آیند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۹).

مردم آسیای میانه جشن‌ها و آیین‌های رسمی مشترک بسیاری با ایرانیان دارد. با توجه به تنوع فرهنگی و قومیتی موجود در آسیای میانه، مراسم، سنت‌ها و آیین‌های متنوعی در این منطقه در جریان است که می‌توان از نوروز به عنوان یک جشن آیینی مهم و از محرم به عنوان یک مراسم سنتی و مذهبی برجسته در این منطقه یاد کرد. در تاجیکستان، به خصوص در «بدخشان»، جشن نوروز با شکوه هرچه تمام‌تر برگزار می‌شود. مردم تاجیک نوروز را «عید بزرگ» می‌خوانند. این عید برای مردم تاجیکستان که روزگاری سرزمینشان بخشی از ایران بزرگ محسوب می‌شده، عید ملی اجدادی است. خانواده‌های قرقیزی از نخستین ساعات صبح روز عید، آن را جشن گرفته، از خانه‌هایشان خارج شده و در میدان‌های بزرگ شهر گرد هم جمع می‌شوند. مردم ازبکستان پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، یکم فروردین ماه هجری خورشیدی را به عنوان عید نوروز، با گردهمایی در کنار یکدیگر جشن می‌گیرند. قزاقستانی‌ها باور دارند که تمیز کردن خانه در آغاز سال نو، باعث پیشگیری از بیماری و بدبختی می‌شود. در این روز مردم لباس نو و سفید به تن می‌کنند و آن را نشانه شادمانی می‌دانند و به دید و بازدید اقوام می‌روند (مدرس زاده، ۱۳۷۹: ۲۲).

^۱ Mongoloid

برگزاری آیین‌ها و مراسمات دینی مذهبی نظیر عید فطر، عید قربان و ... نیز از جمله سایر مظاهر عناصر فرهنگی مشترک در دو منطقه است. عاشورا از جمله آیین‌های سنتی متداول در بین ایرانیان و مردم آسیای میانه است مردم تاجیکستان در روزهای تاسوعا و عاشورا تلاش می‌کنند به گرمی داشت قیام امام حسین (ع) بپردازند. در ازبکستان مردم تلاش می‌کنند همانند دوران شوروی، به صورت مخفیانه مراسم عزاداری را در خانه‌های خود بر پا کنند. مراسم سوگواری سیدالشهدا در بخارا، با شکوه خاصی برگزار می‌شود (لطفی زاده، ۱۳۹۷: ۱۰۳). بزرگداشت فرهنگ غنی دینی و مناسبات آئینی دین مبین اسلام و برگزاری آیین‌های ایرانی مشترک در بین دو قومیت می‌تواند منجر به افزایش ارتباطات بین کشورهای آسیای میانه و ایران گردد. افزایش گفتگو و تعامل بین اقوام و نژادها و فرهنگ‌ها و زبان‌ها باعث رونق دوباره تعامل و هم‌کاری ایران با مردم منطقه آسیای میانه می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر با کاربرد روش توصیفی تحلیلی و استفاده از شیوه گردآوری اسنادی، این موضوع محوری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که هویت ملی آسیای میانه دارای چه شاخصه‌هایی است که می‌تواند در برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی ایران نقش کلیدی ایفا کند. مفروض اصلی مقاله حاضر این است که با عنایت به منافع متنوع اقتصادی، نظامی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی که ارتباط با آسیای میانه برای ایران به ارمغان می‌آورد، بر مبنای رهیافت سازه‌انگاری هویت ملی مشابه در بین کشورهای این منطقه با ایران می‌تواند زمینه را برای برقراری روابط نزدیک تر و مفید تر آماده سازد. سرزمین‌های آسیای میانه از دیرباز محل رفت و آمد ایرانیان بوده و روزگار مدیدی جزو خاک ایران قلمداد می‌شده است. عناصر هویتی چون داشتن نژاد، دین و زبان و فرهنگ مشترک باعث شده است مردم ایران و آسیای میانه که از آباء و نیای مشترک آریایی پدید آمده‌اند، یکدیگر را به عنوان افرادی از یک هویت درون‌گروهی و با هویت ملی مشابه ادراک کنند. زبان فارسی امروزه در بسیاری از مناطق آسیای میانه مورد استفاده قرار می‌گیرد و به عنوان زبان اول ادبی این کشورها به حساب می‌آید. اسلام در این منطقه صرفاً به عنوان آیین مشترک اقوام در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه والاترین نشان استقلال ملی و مهم‌ترین عامل هویت بخشی به حیات سیاسی و فرهنگی مردم این مرز و بوم است به صورتی که مردم این خطه پس از سلطه شوروی بر آسیای میانه با تحمل فشار حکومت کمونیستی و مرزبندی‌های خشن هرگز ارتباط خود را با اسلام قطع نکردند. در واقع ظهور فرهنگ اسلامی در این منطقه، بسیار

فراگیرتر، عمیق‌تر و جا افتاده‌تر از آن بود که در مقابل حمله‌های بی محتوا و تبلیغات پوچ کمونیستی، از هم بپاشد. وجود اشتراکات هویتی در بین مردمان آسیای میانه و ایران نوید امکان برقراری ارتباطات نزدیک‌تر با مردم این کشورها را برای جمهوری اسلامی ایران باخود به ارمغان می‌آورد. به دلیل وجود اشتراکات و پیوندهای تاریخی، فرهنگی بین ایران و آسیای میانه و همینطور ظرفیت‌های گسترده نفت و گاز، محصور بودن این منطقه در خشکی، بازار مناسب برای ورود کالاهای ایرانی و استفاده از قلمرو ایران به عنوان اقتصادی ترین مسیر برای این کشورها، تمایل دولتمردان ایرانی برای برقراری ارتباطات سیاسی و اقتصادی سازنده با این منطقه بسیار افزایش پیدا کرده است. بنابراین لازم است با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی دقیق‌تر و جامع‌تر، روابط سیاسی بین دولت ایران و مناطق آسیای میانه با در نظر گیری اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ که قائل بر گسترش روابط با کشورهای همسایه و هم‌فرهنگ است، گسترش یابد. پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آتی اثربخشی هر یک از شاخص‌های ذکر شده روی روابط بین‌الملل بین ایران و منطقه آسیای میانه به روش پس‌رویدادی و با در نظر گرفتن تجارب ایران در طول سالیان اخیر مورد بررسی و کاوش قرار گیرد.

منابع و مأخذ:

- Blank, Stephen J. (2013). **Central Asia After 2014**. ISBN 978-1-58487-593-2.
- Bhat, M. A. (2018). "The Strategic Cooperation among India, Pakistan, Iran and Central Asia and its implications upon the Regional Stability." *İRAN ÇALIŞMALARI DERGİSİ*: 41-59
- Chow, Edward (2010) "Central Asia's Pipelines: Field of Dreams and Reality", in *Pipeline Politics in Asia: The Intersection of Demand, Energy Markets, and Supply Routes*. National Bureau of Asian Research, 2010.
- Farah, Paolo (2015) *Daive Energy Security, Water Resources and Economic Development in Central Asia*, World Scientific Reference on Globalisation in Eurasia and the Pacific Rim, Imperial College Press (London, UK) & World Scientific Publishing, Nov... Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2701215>
- Fukuyama, F. (2018). "Why national identity matters." *Journal of Democracy* 29(4): 5-15.
- Gleason, G. (2003). *Markets and politics in Central Asia*, Routledge.
- Herzig Edmund (2004) : *Regionalism, Iran and Central Asia* International affairs, vol80 no 3 may.
- Hopf, T. and B. Allan (2016). *Making identity count: building a national identity database*, Oxford University Press. 1-176
- Junxia, L. (2019). "Investments in the energy sector of Central Asia: Corruption risk and policy implications." *Energy Policy* 133: 110912.
- Jung, H. (2019). *The evolution of social constructivism in political science: past to present*. SAGE Open, 9(1), 2158244019832703.
- Laruelle, M. (2007). "Religious revival, nationalism and the 'invention of tradition': political Tengrism in Central Asia and Tatarstan." *Central Asian Survey* 26(2): 203-216.
- Malashenko, A. (2013). **The fight for influence: Russia in Central Asia**, Brookings Institution Press.
- اسماعیل زاده، صمد، ادوارد دنتی سن راس، فرانسیس هنری اسکرین (۱۳۸۹). ترجمه احمد شعبانی. **تاریخ ماورا النهر**. تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار
- ابوالحسن شیرازی حبیب اله (۱۳۸۴). توسعه مناسبات ایران و آسیای میانه؛ ارایه راهبردها. **دو فصلنامه جغرافیا و توسعه**، بهار و تابستان ۱۳۸۴، دوره ۳، صص ۱۱۱-۱۴۰
- بدری، روح الله (۱۳۹۱) تحولات سیاسی- اجتماعی آسیای مرکزی در سده نوزدهم میلادی. **نشریه مسکویه**، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۲۳-۶۲.
- پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری (۱۳۹۵) ایران برای توسعه روابط با کشورهای منطقه از جمله آسیای مرکزی اهمیت زیادی قابل است. <http://www.president.ir/fa/96992>
- ریسی، بهروز (۱۳۹۴) ارتباطات میان فرهنگی در روابط ایران و تاجیکستان (با تاکید بر نظریه سازه انگاری). **فصلنامه علوم خبری**، شماره ۱۵، صص ۱۴۱-۱۷۵
- طباطبایی، سید محمد حسین و الهامی، داوود (۱۳۵۹). **خلاصه تعالیم اسلام**. دارالتبلیغ اسلامی. ۲۲۵-۱. 297.4172
- فیرحی، داوود. (۱۳۹۵). آسیای میانه، ایران و اسلام. **سیاست**، دوره ۴۶ بهار ۱۳۹۵ شماره ۱
- قاضی، ابولفضل (۱۳۸۴). **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**. تهران: دانشگاه تهران. جلد ۱
- لطفی زاده ابولفضل (۱۳۹۷) فرصتها، مکانیزمها و زمینه های راهبردی توسعه پایدار روابط ایران با شبکه منطقه ای مسلمان نشین آسیای مرکزی در دهه حاضر. **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام** سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۰۱-۱۱۹
- مدرس زاده، مریم (۱۳۷۹)، «عید نوروز در فرهنگ اسلامی و آیین ها و اساطیر ایرانی، **مجموعه مقالات نخستین همایش نوروز**، ۱۳۷۹.
- موسوی، سید رسول (۱۳۸۲). **صلح تاجیکستان به روایت اسناد**. تهران: دفتر مطالعات وزارت خارجه
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۶). **آریایی زبان ها**. دانشنامه ایران ۲۰. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- محمودی، م. و لطیفویچ، لطیف اف (۱۳۹۴). نقش دین اسلام در روابط بین ایران و ملت های آسیای مرکزی. **پژوهشنامه روابط بین الملل** (۲۹): ۴۳-۸۲
- محمودی، مرتضی (۱۳۸۶) آسیای مرکزی و رشد همکاری های چند جانبه ایران و تاجیکستان. **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره چهارم، شماره ۵۸ تابستان
- نوروزی، حسین (۱۳۸۵). روابط فرهنگی ایران و آسیای میانه. **ماهنامه ایراس**. شماره ۱۴
- ونت. الکساندر (۱۳۸۴). **نظریه اجتماعی سیاست بین الملل**، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.